

تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی

آتنا پوشنه^{۱*}، مرتضی بابک معین^۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۲. استادیار گروه زبان فرانسه، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران

دریافت: ۹۱/۶/۲۹

پذیرش: ۹۱/۸/۲۰

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی مفاهیمی همچون قدرت و ایدئولوژی را در تحلیل وارد می‌کند و با به‌کارگیری ساختارهای گفتمان‌مدار، بین ایدئولوژی و نحوه بیان آن ارتباط برقرار می‌کند. مسئله اصلی این تحقیق یافتن شیوه‌های متفاوت بازنمایی کارگزاران اجتماعی مختلف در روایت «میان دیروز و فردا» اثر ابراهیم گلستان (۱۳۸۴) است. هدف این پژوهش کشف رابطه بین دیدگاه‌های فکری-اجتماعی (ایدئولوژیک) با ساختارهای گفتمان‌مدار در روایت مذکور است؛ بنابراین سعی کرده‌ایم با تحلیل کیفی گفتمان و به‌کارگیری مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی ارائه شده توسط ون لیوون (۱۹۹۶) و انطباق آن‌ها با برش داستانی موردنظر، بین پیام نهفته در متن که بر پایه ایدئولوژی خاصی سامان یافته است و نحوه بیان آن ارتباط برقرار کنیم و توجیه لازم برای شکل‌گیری پیام نهفته در متن را ارائه دهیم. حاصل پژوهش نشان می‌دهد مؤلف به‌منظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و شرایط سیاسی-اجتماعی پیرامون متن و دیدگاه‌های فکری-اجتماعی وی کارگزاران اجتماعی مختلف را به شیوه‌های متفاوتی بازنمایی کرده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، کارگزاران اجتماعی، میان دیروز و فردا، ابراهیم گلستان.

۱. مقدمه

در این نوشتار سعی داریم با توجه به زمینه سیاسی و اجتماعی پیرامون روایت، به تحلیل متن از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بپردازیم و شیوه‌های متفاوت بازنمایی کارگزاران اجتماعی مختلف را با توجه به بافت کلان متن مورد بررسی قرار دهیم؛ بر این اساس ارتباط میان ساختارهای گفتمان‌مدار و ایدئولوژی نهفته در متن، در روایت «میان دیروز و فردا» از مجموعه *آذر، ماه آخر پاییز* اثر ابراهیم گلستان (۱۳۸۴) را بر مبنای تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی ارائه‌شده توسط ون لیوون^(۱) (۱۹۹۶)، به شیوه‌ای توصیفی- تحلیلی بررسی می‌کنیم.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. نویسنده این اثر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی را چگونه به‌کار برده است؟
 ۲. خالق این اثر، ایدئولوژی را (چه به‌صورت پنهان و چه آشکار) چگونه در نظر می‌گیرد؟
- طبق فرضیه این نوشتار، زمینه اجتماعی و سیاسی موجود در عصر تولید متن، بر شیوه روایت‌پردازی تأثیرگذار بوده است و انتظار می‌رود شگردهای بازنمایی کارگزاران با یکدیگر متفاوت باشد و وجود ساختارهای ایدئولوژیک از سوی خالق اثر، ذهن مخاطب را درگیر کارکرد خاصی از ایدئولوژی کند.

۱-۱. روش تحقیق

از آنجاکه در این مقاله به تحلیل متن می‌پردازیم، بنابراین تحقیق حاضر نوعی تحلیل کیفی گفتمان از روایت «میان دیروز و فردا» اثر ابراهیم گلستان (۱۳۸۴) و از نوع اکتشافی است. یکی از راه‌های انجام یک تحقیق کیفی، در نظر گرفتن، نظریه یا چارچوبی با اصولی پذیرفته‌شده، در داخل پارادایمی خاص می‌باشد؛ تا داده‌های مورد بررسی با توجه به این اصول تحلیل شوند و نیز صحت و سقم نتایج تحلیل محک زده شود (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۶). با رجوع به این روایت به‌عنوان منبع داده‌های مورد نظر و با توجه به الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) جمله‌ها، عبارات و ساختارهای حاوی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار را از متن استخراج کردیم و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی مختلف در ساختارهای استخراجی را مورد بررسی قرار داریم تا در نهایت شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی متفاوت و بی‌طرفی یا جانبداری مؤلف

از کارگزاران خاص معلوم شود و بتوانیم به دیدگاه فکری- اجتماعی مؤلف دست یابیم. به دلیل محدودیت در تعداد صفحات مقاله از ذکر تمامی نمونه‌های مورد بررسی خودداری و به مواردی که اهمیت بیشتری در راستای تحلیل از روایت داشتند، اشاره کردیم.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی ساختارهای زبانی و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در ادبیات و آثار ادبی در چارچوب تحلیل گفتمان از پیشینه شایان توجهی برخوردار است و به‌ویژه بعد از گسترش رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی شاهد پژوهش‌های انجام‌شده بسیاری در زمینه مؤلفه‌های گفتمان‌مدار بوده‌ایم، اما به دلیل حجم بالای کار تنها چند مورد از آن‌ها را معرفی می‌کنیم که با پژوهش حاضر مرتبط هستند. مجموعه مقالات یارمحمدی (۱۳۸۳) تحت عنوان *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی* از اولین تلاش‌ها در زمینه تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی و تفاوت این دو رویکرد با یکدیگر به‌شمار می‌رود که در یکی از مقالات این مجموعه به تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی گفتمان‌مدار با توجه به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی می‌پردازد. یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) با به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ون لیوون به بررسی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل پرداخته‌اند. حیدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴) مقاله‌ای از روزنامه ایران را در چارچوب الگوی ون لیوون مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. پهلوان‌نژاد و دیگران (۱۳۸۸) این الگو را در تحلیل متون انتخاب‌شده از برخی نشریات سال‌های آغازین دوره مشروطه به‌کار گرفته‌اند. صاحبی و دیگران (۱۳۸۹) نیز با معرفی الگوی ون لیوون به تحلیل قطعه‌ای از گلستان سعدی پرداخته‌اند. آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی را طبق الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) مورد مطالعه تطبیقی قرار داده‌اند و حق‌پرست (۱۳۹۱) با استفاده از الگوی ون لیوون به بررسی برش‌های داستانی از شاهنامه و بهمن‌نامه پرداخته است.

۳. الگوی نظری تحلیل، ون لیوون ۱۹۹۶

در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل گفتمان به لحاظ نظری و عملی از سطح توصیف

متون به سطح توجیه و تبیین و از سطح بافت خرد (محیط بلافصل، دانش پس‌زمینه) به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ، ایدئولوژی و روابط سیاسی گسترش یافته است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۵۳؛ سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱). در این رویکرد پژوهشگرانی مانند ون دایک^۲ (۱۹۹۶)، فرکلاف (۱۹۸۹)، هاچ^۳ و کرس^۴ (۱۹۹۶) و ون لیوون (۱۹۹۶) الگوهایی را برای تعیین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و تحلیل متن، معرفی کرده‌اند و معتقدند مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به دو نوع زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی-معنایی تقسیم می‌شوند. بیشتر تحلیل‌گران انتقادی به مؤلفه‌های زبان‌شناختی پرداخته‌اند و کمتر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی^۵ را مبنای تحلیل قرار داده‌اند؛ اما ون لیوون (۱۹۹۶) در مقاله «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در گفتمان»، به جای اینکه فقط مؤلفه‌های زبان‌شناختی متن را بررسی کند، ضمن معرفی و تبیین هریک از شیوه‌های بازنمایی کارگزاران و بررسی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان، شناختی عمیق‌تر و جامع‌تر از متن ارائه می‌دهد. در الگوی ون لیوون (۱۹۹۶)، هر متن یا گفته، تبلور دیدگاه‌های فکری-اجتماعی (ایدئولوژی) فرد یا طبقه‌ای خاص است که بازتاب مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مند جاری در یک جامعه یا بخشی از آن است. به این ترتیب، همه اجزای صوتی، واژگانی و نحوی زبان خواه ناخواه با دیدگاه ویژه‌ای ارتباط دارند و در خدمت بیان منظور و نیت خاص مؤلف هستند (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۶۴). مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی از منظر صراحت و پوشیدگی بازنمایی کارگزاران به دو دسته کلی مؤلفه‌های مبتنی بر پوشیدگی و مؤلفه‌های مبتنی بر صراحت تقسیم می‌شوند که بسته به نیت تولیدکننده و مطابق با دیدگاه فکری-اجتماعی او به آن، مورد توجه قرار می‌گیرد. مؤلفه‌های مبتنی بر پوشیدگی عبارت‌اند از: حذف، منفعل‌سازی، تشخیص‌زدایی، جنس ارجاعی، طبقه‌بندی و نامشخص‌نمایی و مؤلفه‌های مبتنی بر صراحت مشتمل بر فعال‌سازی، نوع ارجاعی، پیوند زدن، تفکیک کردن، نام‌دهی و مشخص‌سازی تک‌موردی هستند. هریک از موارد بالا همراه با زیرطبقه‌هایشان در زیر به اختصار معرفی می‌شوند:

۱-۳. حذف^۶

گاهی همه کارگزاران به دلایل مختلف گفتمانی بازنمایی نمی‌شوند. برخی حذف‌ها عامدانه نیستند، اما برخی دیگر، آگاهانه و در راستای اهداف کارگزاران صورت می‌گیرند، انواع حذف

عبارت‌اند از:

- الف. پنهان‌سازی^۷: هم کارگزاران و هم اعمال و کردار آن‌ها حذف می‌شوند و بازیابی عاملان عمل غیرممکن است.
- ب. کمرنگ‌سازی^۸: ممکن است کارگزاران حذف شوند، اما اعمال و رفتار آن‌ها در متن حفظ شود یا در برخی موارد عاملان عمل در جایی دیگر از متن ذکر شوند و ردپایی از خود به جای بگذارند تا بتوان آن را بازیابی کرد.

۲-۳. اظهار^۹

در این شیوه کارگزاران مستقیماً و به‌صراحت در گفتمان بیان می‌شوند. شیوه‌های مختلف اظهار عبارت‌اند از: واگذاری نقش^{۱۰}، ارجاع‌دهی^{۱۱} و تعیین ماهیت^{۱۲}. واگذاری نقش، خود شامل موارد زیر می‌شود:

- الف. فعال‌سازی: کارگزار مانند نیرویی فعال و پویا در کنش اجتماعی بازنمایی می‌شود.
- ب. منفعل‌سازی: کارگزار پذیرنده اثر کنشی می‌شود و یا به عمل تن درمی‌دهد که خود مشتمل بر دو مقوله تأثیرپذیری مستقیم^{۱۳} و غیرمستقیم^{۱۴} است. در تأثیرپذیری مستقیم، کارگزار موضوع و هدف عمل قرار می‌گیرد، اما در تأثیرپذیری غیرمستقیم، کارگزار به‌صورت غیرمستقیم نفع یا ضرر عملی اجتماعی را دریافت می‌کند. شیوه ارجاع‌دهی شامل دو مقوله تشخیص‌بخشی و تشخیص‌زدایی است. در تشخیص‌بخشی^{۱۵} کارگزاران به‌صورت انسان یعنی شخصی جاندار بازنمایی می‌شوند، اما در تشخیص‌زدایی^{۱۶} عاملان اجتماعی با مشخصه‌های غیرانسانی مطرح می‌شوند که شامل انتزاعی کردن^{۱۷} و عینی کردن^{۱۸} است. در انتزاعی کردن کارگزاران با کیفیتی که در ذهن تصویرساز به آن‌ها نسبت داده می‌شود، بازنمایی می‌شوند، اما در عینی کردن کارگزاران توسط مکان یا ابزاری که با فعالیت آن‌ها ارتباط دارد یا به‌وسیله گفته یا اشاره به اندام آن‌ها نمایانده می‌شوند. این مؤلفه‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: مکان‌مداری^{۱۹}، ابزارمداری^{۲۰}، گفته‌مداری^{۲۱} و اندام‌مداری^{۲۲}. مقوله تشخیص‌بخشی خود دو زیرمقوله مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی دارد:
- الف. مشخص‌سازی^{۲۳}: در این شیوه هویت کارگزاران معلوم است و شامل زیرمقوله‌های متعددی است که در ادامه و بعد از پرداختن به نامشخص‌سازی مطرح می‌شوند.

ب. نامشخص‌سازی^{۲۴}: هویت کارگزاران به صورت افراد یا گروه‌های نامعلوم بازنمایی می‌شود و با به‌کارگیری ادات ابهام و ضمائر مبهم یا تکواژهای «-ی» و «یکی» به همراه اسامی صورت می‌گیرد و شامل انواع زیر است:

۱. پیوند زدن^{۲۵} و پیوندزدایی^{۲۶}: در این شیوه، کارگزاران به صورت گروهی و اغلب با استفاده از حروف ربط همپایه‌ساز بازنمایی می‌شوند و دربارهٔ رخداد خاصی موضع واحدی دارند، اما این گروه‌ها ممکن است در موضوع دیگری وحدت نظر نداشته باشند.

۲. تفکیک کردن^{۲۷} و تفکیک نکردن^{۲۸}: یک کارگزار یا گروهی از کارگزاران به صراحت از سایر گروه‌های مشابه متمایز می‌شوند؛ به عبارت دیگر گروه‌های خودی از غیرخودی جدا می‌شوند.

۳. نام‌دهی^{۲۹} و طبقه‌بندی^{۳۰}: در نام‌دهی کارگزاران اجتماعی براساس هویت منحصر به فرد و خاص خود بازنمایی می‌شوند و اغلب از اسامی خاص استفاده می‌شود، اما در طبقه‌بندی کارگزار براساس هویت جمعی و نقش‌هایی که در جامعه ایفا می‌کند و بیشتر با صفات و القاب خوانده می‌شود.

در نام‌دهی می‌توان از عنوان‌دهی نیز استفاده کرد. عنوان‌دهی می‌تواند جنبهٔ مقام‌دهی (استاد حق‌شناس) یا نسبت‌دهی (پدرام سلیمان) داشته باشد. طبقه‌بندی مشتمل بر سه زیرمقوله است:

۱. نقش‌دهی^{۳۱}: کارگزاران برحسب کارکرد اجتماعی و شغل‌شان بازنمایی می‌شوند.
 ۲. هویت‌دهی^{۳۲}: کارگزاران براساس ویژگی‌های ذاتی خود بازنمایی می‌شوند که شامل سه نوع زیر می‌شود:

الف. هویت‌دهی مقوله‌ای^{۳۳}: کارگزاران براساس قراردادهای طبیعی و فرهنگی مانند نژاد، سن، جنس، قومیت، مذهب، طبقهٔ اجتماعی و غیره که از سوی نهادهای اجتماعی خاصی وضع شده‌اند، از یکدیگر متمایز می‌شوند.

ب. هویت‌دهی نسبتی^{۳۴}: کارگزاران برحسب روابط خویشاوندی، دوستی یا روابط شغلی با یکدیگر بازنمایی می‌شوند.

ج. هویت‌دهی ظاهری^{۳۵}: کارگزار برحسب ویژگی‌های جسمانی که او را منحصر به فرد می‌کند بازنمایی می‌شود. ۳. ارزش‌دهی^{۳۶}: به کارگزاران با اصطلاحات تقابلی اشاره می‌شود

و آنها براساس ارزش‌های مثبت یا منفی که دارند بازنمایی می‌شوند.

۴. مشخص‌سازی تک‌موردی^{۳۷} و چندموردی^{۳۸}: در مشخص‌سازی تک‌موردی، کارگزار در آن واحد، تنها در یک کارکرد اجتماعی شرکت می‌کند، اما در مشخص‌سازی چند موردی، کارگزار در بیش از یک نقش اجتماعی دخیل است که شامل چند زیرمقوله است:

الف. وارونگی^{۳۹}: کارگزار با دو کارکرد متقابل با یکدیگر بازنمایی می‌شود و دارای دو زیرمقولهٔ زمان‌درهمی^{۴۰} و هویت‌درهمی^{۴۱} است. در شیوهٔ زمان‌درهمی، کارگزاران و عملکردهایشان به زمان و گاه حتی مکان دیگری (آینده یا گذشته) منتقل می‌شوند. در شیوهٔ هویت‌درهمی، عاملان اجتماعی با توجه به سایر کنشگرانی که در شرایط عادی واجد شرایط و مجاز به انجام آن اعمال هستند، مقایسه و بازنمایی می‌شوند.

ب. نمادین‌شدگی^{۴۲}: به جای بازنمایی کارگزاران واقعی در کارکردهای اجتماعی متعارف و معمول، یک کارگزار یا گروهی از کارگزاران تخیلی و داستانی بازنمایی می‌شوند.

ج. دلالت ضمنی^{۴۳}: یک مشخص‌نمایی منحصربه‌فرد، یک نام‌بری یا هویت‌نمایی جسمی جای طبقه‌بندی یا کارکردنمایی را می‌گیرد. آداب و رسوم، سنن فرهنگی و تجربیات، تعیین‌کنندهٔ مفهوم و بار معنایی و تضمن‌ها هستند.

د. فشرده‌شدگی^{۴۴}: مؤلفه‌ای مشترک میان کارگزاران با کارکردهای متفاوت ذهنی می‌شود.

تعیین ماهیت: تعیین ماهیت یکی دیگر از زیرمقوله‌های اظهار است. با توجه به شرایط گفتمانی خاص، کارگزاران به دو صورت جنس ارجاعی^{۴۵} و نوع ارجاعی^{۴۶} بازنمایی می‌شوند. در جنس ارجاعی کارگزاران به صورت طبقات کلی و عام معرفی می‌شوند، اما صورت خاص و جزئی در قالب افراد با هویت‌های خاص خود، نوع ارجاعی است که شامل فرد ارجاعی^{۴۷} (کارگزاران به صورت فردهای مستقل بازنمایی می‌شوند) و گروه ارجاعی^{۴۸} است. در گروه ارجاعی کنشگران به عنوان گروه‌های افراد مستقل براساس خصوصیات مشابه بازنمایی می‌شوند و شامل دو نوع مجموعهٔ ارجاعی^{۴۹} و کلی ارجاعی^{۵۰} است. در مجموعهٔ ارجاعی گروه‌های کارگزاران با عدد و رقم بازنمایی می‌شوند. در کلی ارجاعی، کارگزاران به صورت یک کل مطرح می‌شوند. در این مقاله به تبیین شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در گفتمان «میان دیروز و فردا» که در شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی (سال ۱۳۲۷) خلق

شده است، براساس چارچوب پیشنهادی ون لیوون (۱۹۹۶) می‌پردازیم. از آنجاکه ون لیوون معتقد است می‌توان با استفاده از عناصر زبانی و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، شرایط اجتماعی مؤثر بر تولید متن را تعیین کرد و نقش بافت اجتماعی را بر شیوه تولید متن مورد بررسی قرار داد (Van leeuwen, 1996: 32)؛ بنابراین در ادامه و قبل از تحلیل داده‌ها به‌طور مختصر به زمینه اجتماعی پیرامون روایت «میان دیروز و فردا» اشاره می‌کنیم و در ادامه به تحلیل داده‌هایی می‌پردازیم که از روایت موردنظر گردآوری شده‌اند.

۴. زمینه اجتماعی پیرامون روایت میان دیروز و فردا

هر متن در شرایطی ویژه، با درجات متفاوتی از انتخاب و در نسبی با قدرت تولید می‌شود. همان‌طور که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خنثی و بی‌طرف نیز وجود ندارد، بلکه ما با گفتمان‌های وابسته به جناح خاص، ایدئولوژی خاص و... مواجهیم (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۳). میان گفتمان تولیدشده و بافت اجتماعی اطراف آن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. ادبیات و به‌ویژه داستان‌روایی، با استفاده از رمزگان‌ها، تحولات اجتماعی و سیاسی پیرامون متن را به‌خوبی به تصویر کشیده است و به‌شدت متأثر از شرایط اجتماعی است که در آن تولید یا تفسیر می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۱-۲۱۷). پس از پیروزی جنبش مشروطه نخستین احزاب و گروه‌های سیاسی علنی، به‌طور رسمی وارد صحنه سیاسی کشور شدند و به فعالیت پرداختند این تحركات حزبی تا زمان به قدرت رسیدن رضاخان ادامه پیدا کرد، اما پس از سقوط رضاخان در شهریور سال ۱۳۲۰ و جانشینی محمدرضاشاه پهلوی، زمینه مساعدی برای رشد احزاب و گروه‌های سیاسی فراهم شد که البته همراه با شدت و ضعف بوده است. در سال ۱۳۲۷ در پی ترور نافرجام شاه در دانشگاه تهران موجی از دستگیری‌ها و سرکوبی احزاب آغاز شد، اما فضای باز و آزادی‌های سیاسی به‌کلی از بین نرفت. شیوه روایتگری در داستان «میان دیروز و فردا» می‌تواند تأثیرپذیرفته از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم در زمان تولید متن و شرایط ایدئولوژیک حاکم بر تولیدکننده متن باشد. نویسنده در این روایت با بیان مفاهیمی فراگیر چون بیهودگی، پوچی جنبش‌های سیاسی، بی‌عدالتی و خشونت، به‌وسیله توصیف‌ها، گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها، شخصیت‌های داستان (راوی، کنشگر و کنش‌پذیر)، طرح و مضمون داستان، سعی دارد از شرایط جامعه، حکومت وقت و اوضاع سیاسی و

اجتماعی ایران در سال ۱۳۲۷ انتقاد کند. دو شخصیت برجسته داستان (ناصر و رمضان) به دلیل مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم دستگیر شده و به زندان می‌افتند و روایت حول اوضاع روحی و روانی این دو مبارز سیاسی است. ناصر مهندس جوانی است که به سازمان و آرمان‌های خاص آن تعلق دارد و در پی رسیدن به اهداف خود است؛ بنابراین در این مسیر آگاهانه گام برمی‌دارد و گاه شور وصف‌ناشدنی از پایداری خود در مقابل شکنجه‌های مأموران حکومتی وجودش را فرا می‌گیرد و گاهی با یادآوری پایداری و پیروزی پیشینیان در پی رسیدن به مقصود عزم خود را جزم‌تر می‌کند؛ اما رمضان کارگر ساده‌ای است که متعلق به هیچ گروهی نیست و به دلیل رسوخ عقاید مردانگی و انتقام‌جویی برادر و پدرش به مبارزه دست زده و به زندان افتاده و در مسیر مبارزه، حساب‌شده قدم برنمی‌دارد، از این‌رو در زندان دچار ناامیدی و سرگشتگی می‌شود و تردید در او ریشه می‌دواند، تا جایی‌که دچار سستی می‌شود و تصمیم به افشای حقایق به مأموران حکومتی می‌گیرد و دیگر به فکر این نیست که چه بر سر خانواده‌اش خواهد آمد. همچنین عده‌ای سودجو از ساده‌لوحی افراد دهاتی برای کسب سود بیشتر استفاده می‌کنند و با حمایت از دهاتی‌ها و فرستادن اسلحه به روستاها سبب تحریک، مبارزه و طغیان دهاتی‌ها و دست‌آخر باعث ایجاد تفرقه و نفاق میان آن‌ها می‌شوند. قرار گرفتن برخی از وقایع روایت در محیط‌های بسته چون زندان، طبقه دوم ساختمانی نامعلوم، میان دو ردیف بسته سربازان و اتاق بزرگ قطار، تصویری از فضای بسته جامعه دیکتاتوری را به نمایش می‌گذارد. از آنجاکه نویسنده در این روایت سعی می‌کند استبداد و خفقان حاکم در بافت اجتماعی پیرامون متن را به تصویر بکشد، تحلیل این داستان و شناخت مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به‌کاررفته در آن با استفاده از یکی از الگوهای مطرح تحلیل گفتمان انتقادی، می‌تواند ما را در شناخت گفتمان رایج پیرامون روایت یاری دهد.

۴-۱. تحلیل داده‌ها

در این قسمت به تحلیل مؤلفه‌های موجود در این متن با ذکر نمونه‌هایی از روایت می‌پردازیم: حذف: «از همون اول نگذاشتن. می‌دونی که چه کارها کردن... هر که هم ... خواس حرف بزنه دکش کردن.» (گلستان، ۱۳۲۸: ۱۳۶).

هویت عاملان عمل برای مخاطب معلوم نیست؛ گویا کارگزار بنا به دلایل سیاسی و

فضای خفقان اطراف متن که در سال ۱۳۲۷ حاکم بود، ترجیح می‌دهد نامی از عاملان واقعی عمل نبرد و با حذف و پنهان‌سازی و پوشیدگی در مورد آن‌ها سخن به میان آورد.

- «چهره‌آن‌هایی که به مستی و... علاقه داشتند از چشمش می‌آمد.» (همان).
- پرهیز از نام کارگزاران به شیوه پنهان‌سازی و نوع ارجاع به آن‌ها با پوشیدگی است.
- «این اندیشه همه هستی‌اش را گرفت که بازیچه‌ای بوده است.» (همان: ۱۳۷).

عاملان واقعی عمل، کسانی که او را بازیچه گرفته بودند حذف و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.

- «رمضان را تازیانه زده بودند، او را شکنجه‌ای داده بودند...» (همان: ۱۱۷).

با توجه به کل گفتمان، می‌توان فهمید که افسران نظامی و عاملان حکومتی به حاشیه رانده شده‌اند (کمرنگ‌سازی) و آن‌ها رمضان را شکنجه کرده‌اند؛ ولی به دلایل سیاسی و اجتماعی پیرامون متن، نویسنده به صراحت به آن‌ها اشاره نمی‌کند؛ اما رمضان که هدف عمل بوده، به صراحت بازنمایی شده تا از این طریق هم کنش افسران دولتی (شکنجه) و هم مورد ظلم واقع شدن رمضان برجسته شود.

فعال‌سازی: «دهاتی‌ها با داس‌های خود یورش آورده بودند.» (همان: ۱۲۷).

عاملان عمل و اعمال آن‌ها با صراحت بازنمایی شده‌اند.

- «کار تیراندازی دزدها و خرابکارانی که... بالا گرفته بود.» (همان: ۱۲۳).
- دزدها و خرابکاران عاملان فعال هستند و با صراحت عمل آن‌ها بازنمایی می‌شود.
- «... همین رمضان دست‌های زمخت پینه‌بسته خود را با قدرت غضب پیش چشم فرماندار ... گرفته است...» (همان).

عامل عمل با فعال‌سازی و با صراحت بازنمایی شده است.

منفعل‌سازی - تأثیرپذیری مستقیم: «بعد به زور، فرماندار را از دست او آسوده ساخته بودند.» (همان: ۱۲۴).

از ذکر عاملان عمل (معلوم نیست چه کسانی فرماندار را از دست او آسوده ساختند) خودداری شده و فرماندار به شیوه منفعل‌سازی و با پوشیدگی بازنمایی شده است.

- «ژاندارم و پلیس هم نمی‌خواستند ... که کاری کرده باشند اما آن‌ها را به زور راه انداختند ... که تیر اندازند.» (همان: ۱۲۷).

ژاندارم و پلیس به اجبار دیگرانی که معلوم نیست چه کسانی هستند، مجبور شده‌اند به عمل تن دهند و به صورت تأثیرپذیری مستقیم بازنمایی شده‌اند. تولیدکننده متن به دلایل سیاسی، دیگران را با استفاده از مؤلفه حذف بازنمایی می‌کند و منظور از دیگران افرادی هستند که بر مسند قدرت نشسته‌اند و توانایی دادن دستور را دارند، اما مستقیم از آن‌ها نام برده نمی‌شود و با پوشیدگی مطرح می‌شوند.

● «و پاسدار به رمضان نهیب زد و... او را هل داد... و ناصر گفته بود... آنگاه با ته تفنگ به زمینش افکنده بودند و سپس تازیانه‌اش زده بودند.» (همان: ۱۱۷).

رمضان و ناصر به صورت منفعل و با صراحت کمتر بازنمایی شده تا از این طریق صفت فعال‌سازی به کارگزاران دیگر در خشونت به رمضان و ناصر برجسته شود، اما خود عاملان عمل با صراحت کمتری عنوان شده‌اند تا اعمال آن‌ها پرننگ شود.

منفعل‌سازی- تأثیرپذیری غیرمستقیم: «پوشال‌های بازمانده اصطبل متروک سربازان به میهن بازگشته سرخ را می‌سوزانند.» (همان: ۱۳۹).

هویت واقعی میهن برای مخاطب معلوم نیست و با پوشیدگی بازنمایی شده است.

● «... ناصر را از میان آن‌ها برده بودند.» (همان: ۱۱۵).

هویت واقعی کارگزاران معلوم نیست و به طور پوشیده بازنمایی شده‌اند.

نامشخص‌سازی: «و روزهایی که هرکس هفت‌تیر کهنه‌ای سراغ می‌کرد...» (همان: ۱۲۷).

عاملان عمل به صورت نامعلوم و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.

● «... چند تن دیگر را نیز می‌بردند ... روی یک بالکون چند نفر نشسته بودند...» (همان: ۱۲۹).

هویت عاملان عمل نامعلوم است و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.

● «و دید که مردی دارد به چند نفر با خشم می‌توپد...» (همان: ۱۳۲).

عامل واقعی عمل (مردی) به صورت نامشخص و با پوشیدگی بازنمایی شده و هویتش برای مخاطب نامعلوم است، همچنین عاملان پذیرنده عمل (چند نفر) نیز به صورت نامشخص و با پوشیدگی مطرح شده‌اند.

● «و هزاران نفر ... زندانی بوده‌اند... و عده‌ای دویده‌اند... و کسانی برده‌اند.» (همان: ۱۴۴-۱۴۵).



کارگزاران به صورت نامشخص مطرح شده‌اند و هویت آن‌ها پوشیده است. پیوند زدن: «و ناصر به یاد می‌آورد... از آنچه که شاید به آرمان و سازمان او مضر باشد پیدا کند...» (همان: ۱۳۴).

میان ناصر و کارگزاران درباره موضوعی خاص (آرمان‌هایشان) موضع واحدی وجود دارد و حضور کارگزار (ناصر) با صراحت بیشتر بازنمایی شده است.

- «کار تیراندازی دزدها و خرابکارانی ... بالا گرفته بود.» (همان: ۱۲۳).

کارگزاران درباره رخداد خاص ایجاد بی‌نظمی و ناآرامی (تیراندازی) موضع واحدی دارند و پیوند زدن کارگزاران باعث می‌شود که با صراحت بازنمایی شوند.

- «و ژاندارم و پلیس هم نمی‌خواستند و هم می‌ترسیدند که کاری کرده باشند.» (همان: ۱۲۶).

گروه ژاندارم و پلیس در موردی خاص (نمی‌خواستند و هم می‌ترسیدند که کاری کرده باشند) موضع واحدی دارند که با صراحت بازنمایی شده است.

- «و همه آن‌هایی که مانند حیدر بودند.» (همان: ۱۱۸).

همه آن‌ها و حیدر در الگوی واحد سست‌دلی، از طریق شگرد پیوند زدن و با صراحت با یکدیگر همسو و هم‌کردار بازنمایی شده‌اند.

- «و تو منتظری و همه منتظرند... و عده‌ای دویده‌اند ... و... کسانی برده‌اند و اکنون نوبت تو می‌رسد.» (همان: ۱۴۵-۱۴۴).

کارگزار «تو» (منظور مبارز سیاسی ناصر است) و «همه» هر دو از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند و با یکدیگر پیوستگی یافته‌اند و هر دو در یک امر واحد (منتظر بودن) شبیه یکدیگر هستند و کنش یکسانی دارند. عامل اجتماعی (ناصر) با یادآوری اعمال و کردارهای پیشینیان و با اتکا به نقاط مثبت آن‌ها (برده‌اند)، خود را در دسته آن افراد به شمار می‌آورد (و اکنون نوبت تو می‌رسد) و در کنش یکسان تلاش کردن (عده‌ای دویده‌اند و گرداگرد میدان دویده‌اند) و نائل شدن به آرمان خود (برده‌اند) با گذشتگان پیوسته و هم‌کردار بازنمایی می‌شود. به عبارتی دیگر عده‌ای قبل از ناصر برای رسیدن به هدف و آرمان خود تلاش کرده‌اند و در نهایت به آرمان خود رسیده‌اند و اکنون ناصر از طریق پیوند زدن با آن‌ها همسو و به صراحت مطرح شده است.

تفکیک کردن: «دسته‌های مخالف ... به زدن آن‌ها ریخته بودند...» (همان: ۱۲۶).
 به‌صراحت کارگزاران اجتماعی (دسته‌های مخالف) از سایر کنشگران (آن‌ها) متمایز شده‌اند.

• «انگار آدم غریبه‌ای در اتاقی را باز کند و از آدم‌هایی که در آن‌اند چهره‌ای را نشناسد و هیچ کس او را نشناسد.» (همان: ۱۳۰).

کارگزار اجتماعی (آدم غریبه) به دلیل ورود به محیطی ناآشنا از سایر عاملان اجتماعی (آدم‌هایی که در آن هستند) منفک نمایانده شده و گویی در الگویی واحد با یکدیگر شباهت و یکسانی کنش و دیدگاه ندارند. ناصر همان آدم غریبه است که به‌صراحت از آدم‌های ناآشنا که گروه غیرخودی هستند، متمایز شده است.

• «و همه آن سست‌دل‌هایی که از آن‌ها می‌ترسیدند! ... و باز در ته وجودش لذت با نفرت در هم می‌رفت و به خود ارج می‌نهاد. اگر شده بود که دست همه این‌ها بریده شود.» (همان: ۱۱۸).

دو گروه از کارگزاران در مقابل یکدیگر قرار دارند. سست‌دل‌ها و آن‌هایی که میل به مبارزه دارند؛ از این‌رو سست‌دل‌ها برای کارگزاران مبارز، گروه غیرخودی محسوب می‌شوند و به دلیل ترس، از سایر کارگزاران (در اینجا منظور مبارزان سیاسی به‌طور اعم و ناصر مبارز سیاسی به‌طور اخص است) منفک نمایانده شده و آن‌ها در امری واحد با یکدیگر کنش و دیدگاه یکسانی ندارند و ناصر به‌صراحت از انسان‌های سست دل متمایز شده است.

عنوان‌دهی با جنبه‌ی مقام‌دهی و با ذکر نام: «ابراهیم سرکارگر بود.» (همان: ۱۳۴).
 کارگزار اجتماعی به‌صراحت بازنمایی شده است.

کارکردنمایی: «به زور فرماندار را از دست او آسوده ساخته بودند.» (همان: ۱۲۴). ...
 «که هم‌زدانش مهندس جوان است.» (همان: ۱۱۵). «و نگاهش ... آن شبی را یافت که در خانه‌ی مهندس رئیس کارخانه بود.» (همان: ۱۳۷).

کارگزاران با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.
 هویت‌بخشی مقوله‌ای: «و ناصر به یاد می‌آورد ... تا چیزی از آنچه که شاید به آرمان و سازمان او مضر باشد پیدا کند.» (همان: ۱۳۴).

کارگزاران با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند و با استفاده از واژه‌ی کلی سازمان از ذکر آشکار

عوامل عمل خودداری شده است.

- «دهاتی‌های ... نزدیک به شهر ریخته بودند.» (همان: ۱۲۶).
 - کارگزاران با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.
 - «... و دسته‌های مخالف ... به زدن آن‌ها ریخته بودند.» (همان: ۱۲۶).
 - کارگزاران براساس طبقه اجتماعی‌ای که به آن تعلق دارند (دسته‌های مخالف) با پوشیدگی مطرح شده‌اند.
 - هویت‌بخشی نسبی: «حیدر و پسرش...» (همان: ۱۱۶) «هم‌زندانش مهندس جوان است.» (همان: ۱۱۵).
 - «رمضون همش تو فکر بابا و برارش.» (همان: ۱۲۴).
 - هویت‌بخشی ظاهری: «به یاد چهره مس‌وار و چشمان زیرک مهندس ... افتاد (همان: ۱۱۸).
 - کارگزار با اشاره به ویژگی ظاهری‌اش و با پوشیدگی بازنمایی شده است.
 - ارزش‌گذاری: «و بعد دانست که آن‌ها... به فشار بدها رفته‌اند.» (همان: ۱۲۷).
 - کارگزاران صاحب قدرت با ارزش‌گذاری منفی و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.
 - «و همه آن سست دل‌هایی که از آن‌ها می‌ترسیدند!...» (همان: ۱۱۸).
- همه کسانی که با صفات سست‌دل و ترسو برای کسب منافع شخصی خود حاضرند ریشه و اساس هرچیزی را نابود کنند با ارزش‌گذاری منفی و به‌صورت پوشیده مطرح شده‌اند. رمضان که در ابتدای روایت مبارزی است که با صفات مردانگی و استقامت ارزش‌گذاری می‌شود، در جای دیگری از متن دچار سستی می‌شود و قصد دارد با لو دادن جای تفنگ‌ها دست از پایداری بردارد، بنابراین از نظر کارگزار دیگر (ناصر) با صفت سست بازنمایی شده است؛ به عبارت دیگر ارزش مردانگی در رمضان سیال است و تبدیل آن به ارزش دیگر (سستی) با توجه به بافت خرد، موقعیت، سایر عناصر گفتمانی و بافت کلان یعنی موقعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر متن حادث می‌شود. ارزش‌های زبانی از قبل معین نیستند، زیرا در زبان ارزش‌ها پیوسته بازسازی می‌شوند و هر ارزش می‌تواند جایگاه خود را به دیگری بدهد؛ بدین معنا که ارزش‌ها براساس نقش و جایگاهی که عناصر در بافت به خود می‌گیرند، قابل بررسی هستند و حضور پدیداری و غیرمکانیکی نشانه‌ها سبب بروز ارزش‌هایی سیال و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود که براساس حضور حسی - ادراکی، بافت،

شرایط، موقعیت، فرهنگ، جهت‌مندی و موضع‌گیری کنشی در گفتمان حاصل می‌شود (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۴۰).

● «و پوشال هرگز به درد نمی‌خورد و پوشال هرگز دوام نمی‌آورد.» (گلستان، ۱۳۲۸: ۱۳۹).

به جای انسان‌های سست‌اراده و بی‌هدف از پوشال استفاده شده که به‌صورت ارزشی منفی و با پوشیدگی مطرح شده است.

● «و اگر امیدوار باشد نیرو می‌گیرد.» (همان: ۱۴۰).

منظور انسان‌هایی است که آرمان خاصی را دنبال می‌کنند و با یادآوری آن‌ها و پیروزی گذشتگان در راه رسیدن به اهداف خود امیدوار می‌شوند؛ مثل ناصر. نویسنده، این دسته از کارگزاران را با ارزش‌گذاری مثبت و با پوشیدگی بازنمایی می‌کند.

مشخص‌نمایی تک موردی: «و مأمور همچنان تازیه‌اش می‌زد.» (همان: ۱۲۵).

کارگزار اجتماعی با صراحت تنها در یک کارکرد اجتماعی بازنمایی شده است.

وارونگی: «ناصر به یاد می‌آورد که همان روز، ... هرچه خواسته بودند رمضان را آرام کنند ... اما پس از آن روز نامزد انتخاباتی ... تا آنکه آن روز پیش آمد؛ و آن روز ... که همه شهر به هم ریخته بود...» (همان: ۱۲۴-۱۲۶).

ناصر با استفاده از زمانی غیر از زمان حال عملکرد عامل اجتماعی دیگر (رمضان) را در زمانی دقیق و به‌صراحت به تصویر نمی‌کشد و از این طریق آشکارا اشاره به عمل و بی‌باکی رمضان می‌کند. کارکرد کارگزار با اینکه به زمان نگارش اثر (۱۳۲۷) مربوط می‌شود به زمان و مکانی نامعلوم در گذشته انتقال یافته و زمان موردنظر با پوشیدگی بازنمایی شده است.

● «و هزاران نفر هزاران سال زندانی بوده‌اند ... و زندان‌ها نخواهد ماند... انتظار دونده‌ای که می‌داند باید بدود و می‌خواهد ببرد ... و عده‌ای دویده‌اند ... و مردم فریادها کشیده‌اند و کسانی برده‌اند و اکنون نوبت تو می‌رسد.» (همان: ۱۴۴-۱۴۵).

عملکرد کارگزاران در زمانی نامعلوم (هزاران سال) بازنمایی شده و به‌صورت زمانی نامشخص در گذشته (بوده‌اند، دویده‌اند، کشیده‌اند، برده‌اند) ارائه شده است و توقف این عمل در زمانی نامعلوم (نخواهد ماند) در آینده انتقال یافته و بازنمایی شده است. کارگزار (ناصر که مبارزی سیاسی است) برای رسیدن به آرمان خود (آزادی) در فضا و مکانی غیر از



اکنون (می‌خواهد ببرد) مطرح می‌شود و هدف او با کارگزاران دیگر که هویتشان به صورت مجهول (عده‌ای، کسانی) بازنمایی شده، مشترک است.

• «میان دیروز و فردا» (همان: ۱۱۴).

نویسنده از زمانی معلوم در عنوان روایت استفاده نمی‌کند؛ بلکه زمان را در عنوان به شکلی نامشخص و سیال و با پوشیدگی مطرح می‌کند.

• «اما بیرون از سد میله‌ها، بامداد دوردست ابرها ... را از سیاهی بر می‌برد.» (همان: ۱۱۴).

کارگزار زمانی غیر از اکنون را زمان رسیدن به آرمان‌هایش می‌داند و زمان تحقق عمل را با پوشیدگی اظهار می‌دارد.

هویت درهمی: «دهاتی‌ها با تفنگ‌هایی که از پایتخت برایشان فرستاده شده بود ... و ژاندارم و پلیس هم نمی‌خواستند ... که کاری کرده باشند... تفنگ‌ها غریبند و... او را در خانه‌اش دستگیر کردند...» (همان: ۱۲۶).

در این گفتمان دهاتی‌ها در یک عملکرد اجتماعی درگیر شده‌اند که در شرایط معمولی و از نظر هنجارهای موجود نباید در آن حضور داشته باشند (داشتن اسلحه و ایجاد بی‌نظمی و شورش). شکست (دستگیری) این کارگزاران اجتماعی (دهاتی‌ها) در مقابل نیروهای دولتی به‌خودی‌خود هنجارها و معیارهای اجتماعی را تأیید و تحکیم می‌کند. اما نکته مهم این است که واضعان این هنجارها (کارگزاران دولتی) عاملان اصلی این ناهنجاری‌ها هستند که با پوشیدگی بازنمایی می‌شوند.

دلالت ضمنی: «و تو در گوشه‌ای از آن افتاده‌ای که کوچک است و چون کوچک است زیر چشمی نگاهش می‌کنند و چون زیر چشمی نگاهش می‌کنند درست نمی‌شناسندش.» (همان: ۱۴۳).

کارگزار با مکانی که در آن قرار گرفته به شدت عجین شده و علاوه بر اینکه آن مکان و آن موقعیت کوچک است، بر پایین و ناچیز بودن مقام و موقعیت عامل اجتماعی نیز دلالت دارد، زیرا کارگزاران که در مسند قدرت نشسته‌اند او را پایین‌تر از خود یافته‌اند و نگاهی به پایین دارند و این موضوع با صراحت عنوان نمی‌شود.

نمادین‌شدگی: «چرا از قصر شیرین ناله فرهاد می‌آید.» (پهلوان‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۲).

از این مؤلفه در متن نمونه‌ای یافت نشد.

فشرده‌شدگی: «...و ژاندارم و پلیس هم نمی‌خواستند و هم می‌ترسیدند که کاری کرده باشند.» (گلستان، ۱۳۲۸: ۱۲۶). ژاندارم و پلیس در اینجا به مبارزه در برابر دهاتی‌ها میل ندارند و با این عمل می‌خواهند از ایجاد آشوب و بی‌نظمی جلوگیری کنند، اما این موضوع با صراحت عنوان نمی‌شود که نخواستن این کارگزاران به دلیل جلوگیری از ایجاد ناامنی در جامعه است. برقراری نظم و امنیت مؤلفه‌ای مشترک میان پلیس، ژاندارم، افسر و فرماندار است که هر یک کارکردها و منزلت‌های اجتماعی متفاوتی دارند.

تشخص‌زدایی - انتزاعی کردن: «پوشال هرگز به درد نمی‌خورد و پوشال هرگز دوام نمی‌آورد.» (همان: ۱۳۹).

کارگزاران سست‌دل، با استفاده از واژه پوشال و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.

● «نمی‌دونی چه کله‌گنده‌هایی هم از شون حمایت می‌کردن.» (همان: ۱۳۶).

انسان‌های صاحب قدرت و نفوذ با صفت کله‌گنده بازنمایی شده‌اند و از ذکر مستقیم نام آن‌ها خودداری شده است.

● «و مرد با خشم می‌گفت «بدبخت‌ها» با این چارتا لغنتون!» (همان: ۱۳۲).

ذکر کارگزاران با استفاده از صفتی که به آن‌ها نسبت داده شده و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.

● «و برای این حساب‌ها به این پست‌ها احتیاج داشتند.» (همان: ۱۱۸).

«هفت هشت کوچک و بزرگ بیش نبودند.» (همان: ۱۱۸).

کارگزاران با استفاده از صفات، به صورت پوشیده بازنمایی شده‌اند.

● «و آنچه که موقتی نبود نسوخته است. بازیچه نبوده است.» (همان: ۱۴۱).

با پوشیدگی به انسان‌هایی اشاره دارد که آرمان خاصی را دنبال نمی‌کنند و سست‌اراده هستند (مانند رمضان) و در مقابل به مبارز سیاسی دیگر (ناصر) هم اشاره دارد که خود را بازیچه در نظر نمی‌گیرد، زیرا آرمان و هدفی خاص را دنبال می‌کند.

تشخص‌زدایی - مکان‌مداری: «دهاتی‌ها با تفنگ‌هایی که از پایتخت برایشان فرستاده شده بود...» (همان: ۱۲۶).

با اشاره به مکان از ذکر صریح کارگزاران اجتماعی خودداری شده است.



- «...خرابکارها به خانه‌های حاشیة شهر حمله برده‌اند.» (همان: ۱۲۳).
- کارگزاران با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.
- «جمعیت می‌خواست که با مرکز، مخابره‌ی حضوری کند. ... و مرکز به این چیزها کم می‌اندیشید.» (همان).
- صاحبان قدرت با پوشیدگی مطرح می‌شوند.
- تشخیص‌زدایی - ابزارمداری: «با ضربه‌های تازیان‌های که خورده بود...» (همان: ۱۱۵).
- کارگزاران با پوشیدگی بازنمایی می‌شوند.
- «و دید که سرنیزه‌ها میان میدان، برق پراکنده‌ای دارند.» (همان: ۱۱۶). کارگزاران به صورت پوشیده مطرح شده‌اند.
- «زجر با دندان‌های اره‌ای...» (همان: ۱۲۱).
- کارگزار اجتماعی خود را در پشت دندان‌های اره‌ای پنهان کرده و با پوشیدگی عنوان شده است.
- «با کبریت پدرم را در آورد.» (همان: ۱۲۲).
- با ابزار، عاملان عمل بازنمایی شده تا به گونه‌ای صریح به آن‌ها اشاره نشود.
- تشخیص‌زدایی - اندام‌مداری: «و انگشت که بر آن می‌کوفتی...» (همان: ۱۳۹).
- با پوشیدگی به کارگزار اشاره می‌شود.
- «رمضان ... دور شدن صداها ی پاهای را می‌شنید.» (همان: ۱۱۶).
- کارگزاران با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.
- «و چون کوچک است زیرچشمی نگاهش می‌کنند.» (همان: ۱۴۳).
- با اشاره به عضو خاصی از کارگزاران از صراحت‌گویی درباره‌ی آن‌ها خودداری شده است.
- «بزنن اما تو چشمشون که کشیده‌ام.» (همان: ۱۳۷).
- کارگزاران به صورت پوشیده بازنمایی می‌شوند.
- «اگر شده بود که دست همه‌ی این‌ها بریده شود.» (همان: ۱۱۸).
- برای خودداری از ذکر صریح کارگزاران به شیوة اندام‌مداری بازنمایی شده‌اند.
- تشخیص‌زدایی - گفته‌مداری: «حرف مگر سر تو و منه؟» (همان: ۱۴۲).

- کارگزار اجتماعی با پوشیدگی بازنمایی شده است.
- «اما از آزاری که پرسش وی به رمضان خواهد داد...» (همان: ۱۱۶).
- کارگزار با پوشیدگی بازنمایی شده است.
- جنس ارجاعی: «گاهی هیكل انسان‌ها جلو نور دیده می‌شد.» (همان: ۱۳۹).
- کارگزار اجتماعی به صورت طبقه کلی و با پوشیدگی بازنمایی شده است.
- «... مهمه مردم را می‌شنوی...» (همان: ۱۴۶).
- عاملان عمل به صورت کلی و با پوشیدگی تصویر مطرح شده‌اند.
- «دنیا دنیای یک مشت جاندار است...» (همان: ۱۲۸).
- کارگزاران به صورت کلی بازنمایی شده‌اند و از ذکر صریح عاملان خودداری شده است.
- «و خوش باش که از نسلی هستی که حوادث بسیار می‌بیند و ...» (همان: ۱۴۳).
- کارگزاران اجتماعی به صورت کلی و با پوشیدگی بازنمایی شده‌اند.
- نوع ارجاعی - فردارجاعی: «رمضان کف اتاق نشسته بود ... در گوشه‌ای مهندس جوان افتاده است.» (همان: ۱۱۵-۱۱۶).
- کارگزاران اجتماعی به صراحت بازنمایی شده‌اند.
- نوع ارجاعی - مجموعه ارجاعی: «هفت هشت کوچک و بزرگ بیش نبودند.» (همان: ۱۱۸).
- کارگزاران به صورت عدد و با پوشیدگی عنوان شده‌اند.
- «هزاران نفر ... زندانی بوده‌اند.» (همان: ۱۴۴).
- هویت عاملان عمل معلوم نیست و به طور صریح بازنمایی نشده‌اند.
- نوع ارجاعی - کلی ارجاعی: «و از میان دهاتی‌هایی که با هم کار می‌کردند و ... دسته‌های مخالف در خیابان‌ها و ... به زدن آن‌ها ریخته بودند...» (همان: ۱۲۵-۱۲۶).
- هویت واقعی عاملان عمل به صورت کلی بیان شده و به طور صریح بازنمایی نشده‌اند.
- «نمی‌دونی چه کله‌گنده‌هایی هم از شون حمایت می‌کردن.» (همان: ۱۳۶).
- کارگزاران به صراحت بازنمایی نشده‌اند و با کلی‌گویی مطرح شده‌اند.
- ذکر این نکته ضروری است که در برخی موارد برای ایجاد تأثیری خاص (به طور مثال تأثیر بیشتر بر مخاطب یا ایدئولوژی خاص مؤلف) کارگزار می‌تواند همزمان به چند صورت بازنمایی شود که در عمل این مرزبندی‌ها همیشه قطعی نیستند.

۵. نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و تحلیل داده‌های تحقیق در چارچوب مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون، پرسش‌های مطرح‌شده در قسمت مقدمه را به‌صورت زیر می‌توان پاسخ داد:

۱. در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت که این روایت از تمام مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، به جز نمادین‌شدگی بهره برده است. با توجه به بافت کلان (موقعیت سیاسی - اجتماعی) متن، کارگزاران اجتماعی که در رأس قدرت قرار دارند (مرکز، پایتخت، کله‌گنده‌ها و...) با استفاده از مؤلفه‌های تشخیص‌زدایی، نامشخص‌سازی و حذف) با پوشیدگی بازنمایی می‌شوند به‌طوری‌که در هیچ قسمت از متن به‌طور صریح به آن‌ها اشاره نشده است. از سوی دیگر بدون اینکه نام و هویت واقعی آن‌ها به‌صراحت فاش شود با برجسته‌سازی اعمالشان، به‌صورتی فعال، مطرح و رفتارهای آن‌ها با صراحت بازنمایی می‌شود. مأموران حکومتی (افسر، پلیس، ژاندارم، سرباز، فرماندار و پاسدار) با استفاده از کارکردنمایی و با توجه به شغلشان و به‌صورتی پوشیده بازنمایی می‌شوند، اما این کارگزاران نسبت به صاحبان قدرت که در رأس حکومت قرار دارند با پوشیدگی کمتری بازنمایی شده‌اند. این امر دال بر این است که مؤلفه‌های پوشیدگی و صراحت به‌صورت نسبی است و می‌توان برای آن پیوستاری از بیشترین حد پوشیدگی تا کمترین حد پوشیدگی در نظر گرفت. بیشترین حد پوشیدگی مربوط به کسانی است که در رأس حکومت قرار دارند. از طرف دیگر اعمال و رفتار مأموران حکومتی نام‌برده از طریق فعال‌سازی، به‌صراحت بازنمایی شده است. دو مبارز سیاسی (ناصر و رمضان) با استفاده از مؤلفه‌های فعال‌سازی، نام‌دهی، پیوندزدن و تفکیک‌کردن به‌صراحت بازنمایی شده‌اند، اما از آنجاکه کارگزاران اجتماعی به‌منظور تأثیری خاص همزمان می‌توانند به چند صورت بازنمایی شوند، رمضان و ناصر در قسمت‌های دیگری از متن با استفاده از مؤلفه‌های منفعل‌سازی، ارزش‌دهی و تشخیص‌زدایی با پوشیدگی بازنمایی می‌شوند و این خود نمایانگر دیدگاه فکری - اجتماعی خاص پدیدآورنده اثر است که با منفعل‌سازی مبارزان سیاسی، اعمال کارگزاران صاحب قدرت را (شکنجه‌ها و ظلم و ستم) به شیوه فعال‌سازی، برجسته و به‌صراحت بازنمایی می‌کند و از این رهگذر استبداد و ستم را به تصویر می‌کشد. شرایط سیاسی - اجتماعی پیرامون متن بر شیوه روایت‌پردازی بسیار تأثیرگذار بوده است، به‌گونه‌ای که به‌دلیل استبداد در آن روزها (۱۳۲۷) از مؤلفه‌های پوشیده

و به دلیل برجسته‌سازی کارگزاران و اعمال آن‌ها از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی در صراحت‌بخشی گفتمان بهره برده است. از آنجاکه انتقادهای نسبت به وضع موجود را نمی‌توان به صراحت عنوان کرد، بسیاری از آن‌ها با استفاده از شیوه زمان و مکان دیگر مطرح شده‌اند. شیوه زمان درهمی به خوبی در عنوان روایت «میان دیروز و فردا» نمود می‌یابد و زمان به صراحت در عنوان بازنمایی نمی‌شود و مطلب با شگردی زیرکانه و خاص بیان شده است.

۲. پاسخ پرسش دوم این است که نویسنده برحسب ایدئولوژی و باورهایش حوادث، اعمال و کردار کارگزاران را طبقه‌بندی و ارزش‌دهی می‌کند؛ بعضی‌ها را خودی و برخی دیگر را غیرخودی در نظر می‌گیرد و با استفاده از مؤلفه ارزش‌دهی موضع خود را به بهترین وجه ممکن بیان می‌کند. او انسان‌هایی را که هدف و آرمان خاصی را دنبال نمی‌کنند و تنها از روی کینه‌جویی و انتقام دست به مبارزه می‌زنند (رمضان)، به صورت انسان‌های سست‌اراده ارزش‌گذاری می‌کند و آن‌ها را نسبت به خود، دیگری می‌پندارد؛ البته مؤلف این موارد را با پوشیدگی بازنمایی می‌کند. نویسنده با ارزش‌گذاری مثبت درباره کارگزارانی که از آرمان‌های خاصی پیروی می‌کنند و متعلق به سازمان خاصی هستند؛ آن‌ها را به صورت انسان‌هایی امیدوار به تصویر می‌کشد که در میانه راه سست نمی‌شوند (منظور ناصر و افراد مانند او است) و با این شیوه خود را در گروه آن‌ها قرار می‌دهد و آن‌ها را خودی می‌داند و به این ترتیب پیام خود را از زبان دیگران برجسته می‌کند. نویسنده با بیان این مطلب، ایدئولوژی خود را درباره انسان‌هایی که متعلق به گروه و آرمان خاصی هستند به صورتی پوشیده بیان می‌کند و از این طریق از ایدئولوژی به عنوان ابزاری برای انتقال باورهای گروهی استفاده کرده است.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان داد شیوه‌های متفاوت بازنمایی اعمال و کارگزاران اجتماعی در روایت «میان دیروز و فردا» متأثر از دیدگاه‌های فکری-اجتماعی خاص نویسنده و روابط قدرت حاکم بر جامعه است. این بازنمایی‌های متفاوت، همگی هدفمند و در جهت کنترل دیدگاه‌های اجتماعی هستند. نویسنده با بهره‌جستن از مؤلفه‌های مبتنی بر پوشیدگی و با شیوه زمان و مکان دیگر ایدئولوژی خود را از زبان دیگران و به شیوه‌ای پوشیده بیان کرده است و به دلیل پیوند عمیق متن با شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن (سال ۱۳۲۷)، دارای بار عاطفی خاص و ایدئولوژیک نویسنده و بازتابی از جهان‌بینی نویسنده درباره مسائل اجتماعی و سیاسی معاصر است.



۶. پی‌نوشت‌ها

1. Van leeuwen
2. Van Dijk
3. Hodge
4. Kress
5. socio-semantic
6. exclusion
7. suppression
8. backgrounding
9. inclusion
10. role allocation
11. reference allocation
12. type allocation
13. subjection
14. beneficialization
15. personalization
16. impersonalization
17. abstraction
18. objectivation
19. spatialization
20. instrumentalization
21. utterance autonomization
22. somatization
23. determination
24. indetermination
25. association
26. dissociation
27. differentiation
28. indifferentiation
29. nomination
30. categorization
31. functionalization
32. identification
33. classification
34. relational identification
35. physical identification
36. appraisalment
37. single determination
38. overdetermination
39. inversion
40. anachronism

41. deviation
42. symbolization
43. connotation
44. distillation
45. genericization
46. specification
47. individualization
48. assimilation.
49. aggregation
50. collectivization

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
Aghagolzade, Ferdows. (2007). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Elmi-Farhangi [In Persian].
- آقاگل‌زاده، فردوس و دیگران. (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیوون)». *مجله جستارهای زبانی*. د ۴، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۱-۱۹.
Aghagolzade, Ferdows, et al. (2012). "The comparative study of the linguistic representation of Iranian and Western actors of Iran's nuclear program in iInternational media (Van Leeuwen's Model, 2008)". *Scientific Research Journal of Language Related Research*. Vol. 4, No. 1 (Tome 13), PP. 1-19 [In Persian].
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و دیگران. (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ش ۱، صص ۵۱-۷۳.
Pahlavannezhad, Mohammad Reza, et al. (2009). "The representation of social actors in the journals of the conditional Era: Critical discourse analysis based on the socio-semantic features". *Specialized Journal of Linguistics and Khorasan's Dialects*. Vol. 1, No. 127, PP. 51-73 [In Persian].
- حق‌پرست، لایلا. (۱۳۹۱). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن

- از شاهنامه و بهمن‌نامه (براساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان)». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. د ۳، ش ۲، صص ۴۵-۶۲.
- Haghparsat, Leila. (2012). "The representation of social actors in the story of Bahman from Shahname and Bahman-name (Based on the socio-semantic elements in critical discourse analysis)". *Scientific Research Journal of Comparative Language and Literature Research*. Vol. 3, No. 2 (Tome 10), PP. 45-62 [In Persian].
- حیدری تبریزی، حسین و آیت‌الله رزمجو. (۱۳۸۴). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه های جامعه‌شناختی - معنایی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. ش مسلسل ۱۹۵، صص ۳-۳۳.
 - Heidari Tabrizi, Hossein & Seyyed Ayatollah Razmjoo. (2006). "The representation of social actors in Persian discourse: Critical discourse analysis with respect to the socio-semantic features". *Journal of Faculty of Letters and Humanities*. Year. 48, No. 195, PP. 1-33 [In Persian].
 - سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نی.
 - Soltani, Seyyed Ali Asghar. (2006). *Power, Discourse, Language*. Tehran: Ney [In Persian].
 - شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۹). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. تهران: سمت.
 - Shairi, Hamid Reza. (2010). *Analyse Sémiotique du Discours*. Tehran: Samt [In Persian].
 - صاحبی، سیامک و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان». *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۶، صص ۱۰۹-۱۳۳.
 - Sahebi, Siamak, et al. (2010). "A critical study of the validity of gulestan based on the theory of critical discourse analysis". *Scientific Research Quarterly of Persian Language and Literature*. No. 16, PP. 109-133 [In Persian].
 - گلستان، ابراهیم. (۱۳۲۸). *آذر، ماه آخر پاییز*. تهران: بازتاب نگار.
 - Golestan, Ebrahim. (1950). *Azar, Last Month Of Autumn*. Tehran: Baztab-Negar [In Persian].

- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. (ترجمه گروه مترجمان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. Fairclough, Norman. (2001). *Critical Discourse Analysis*. (Translation Group). Tehran: Center of Media Studies and Research, Ministry of Culture and Islamic Guidance Press [In Persian].
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس. Yarmohammadi, Lotfollah. (1995). *Mainstream and Critical Discourse*. Tehran: Hermes [In Persian].
- ----- (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس. ----- (1997). *Communication within Critical Discourse Perspectives*. Tehran: Hermes [In Persian].
- ----- و لیدا سیف. (۱۳۸۳). «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی- معنایی». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. به کوشش ابراهیم کاظمی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۴۲۱-۴۴۰. ----- & Lida Seyf. (1995). "The representation of social actors in the conflicts between Palestine and Israel based on the socio-semantic discursive structures". *Proceedings of the Sixth Linguistics Conference*. Edited by Ebrahim Kazemi. Tehran: Allameh Tabataba'i University. PP. 421-440 [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Hodge, R. & G. Kress. (1996). *Language and Ideology*. London: Routledge.
- Van Dijk, T. A. (1996). "Discourse, power and access". In *Caldas -Coulthard, C.R. & Coulthard, M; (Eds.), Texts and Practices: Readings in CDA* London: Routledge.
- Van Leeuwen, T.A. (1996), "The representation of social actors". In *Caldas Coulthard, C.R. & Coulthard, M.(Eds.). Texts and Practices: Readings in CDA*, London: Routledge.